

Research Paper

Investigating the role of Islam on citizenship education

Vahideh Eskandari*¹

¹ Department of Sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Keywords

Religion of Islam
citizenship education
Tolerance
Responsibility Critical
thinking

ABSTRACT

Citizenship education is one of the important topics in social, political and educational studies that has its roots in history and has been addressed by old and new philosophers. The importance and position of this concept in the contemporary era is such that the citizens of that society consider it one of the important elements of the development of a society. According to the position of this concept, the current research seeks to answer this main research question; Are there any components of citizenship education in Islam? To achieve this goal, descriptive-analytical (documentary) method, survey tool and first-hand source; Quran has been used. The results of the findings showed that there is a relationship and correlation between Islam and the components of citizenship education that include (freedom, tolerance, critical thinking, responsibility...).

*Corresponding Author.

Email Addresses: eskandari4157@pnu.ac.ir

Eskandari, V. (2024). Investigating the role of Islam on citizenship education. *Human Ecology*, 3(6), 483-494.



Doi: [10.22034/el.2024.480746.1031](https://doi.org/10.22034/el.2024.480746.1031)

بررسی نقش دین اسلام بر تربیت شهروندی

وحیده اسکندری*

۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

واژگان کلیدی

دین اسلام تربیت
شهروندی مدارا
مسئولیت پذیری تفکر
انتقادی

چکیده

تربیت شهروندی از جمله مباحث مهم در مطالعات اجتماعی، سیاسی و تربیتی است که ریشه در گستره تاریخ داشته و فیلسوفان قدیم و جدید به آن پرداخته‌اند. اهمیت و جایگاه این مفهوم در دوران معاصر به گونه‌ای است که یکی از عناصر مهم توسعه یک جامعه را شهروندان آن جامعه می‌دانند. با توجه به جایگاه مهم این مفهوم، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال اصلی پژوهش می‌باشد؛ آیا مؤلفه‌های مبحث تربیت شهروندی، در دین اسلام وجود دارد؟ برای نیل به این هدف از روش توصیفی-تحلیلی (اسنادی)، ابزار فیش برداری و منبع دست اول؛ قرآن استفاده شده است. نتایج یافته‌ها نشان داد که بین دین اسلام و مؤلفه‌های تربیت شهروندی که شامل (آزادی، تساهل و مدارا، تفکر انتقادی، مسئولیت پذیری ...) ارتباط و همبستگی وجود دارد.

۱. مقدمه

تربیت شهروندی یک مفهوم متکثر و چند چهره است دیدگاه های متنوع در خصوص تربیت شهروندی وجود دارد. صاحب نظران با توجه به نوع نگاه خود مؤلفه های مختلفی را برای شهروندی در نظر می گیرند. سامرز تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش های دیگران، رفتار متعهدانه و غیره را مد نظر قرار می دهند. (فتحی واجارگاه و چوکده، ۱۳۸۵: ۹۶). مؤلفه های شهروندی از منظر هانا آرنست عبارتند از روابط انسانی مبتنی بر احترام و دیگرپذیری، دیالوگ، اندیشه ورزی، مشارکت ورزی، آزادی بیان و کردار، تسامح و مدارا، فضیلت مدنی، مشارکت، داشتن مسئولیت. (خضری اقدام و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶). مهم ترین عنصر توسعه یک جامعه، شهروندان آن جامعه هستند و باید به گونه ای تربیت شوند که از دانش، نگرش و مهارت های گوناگون برخوردار باشند. تربیت شهروندی به مثابه آموزش دانشها، مهارتها، نگرش ها و ارزشهای شهروندی جهت زندگی در جامعه و تعاملات مناسب با مردم از جمله اهداف و کارکردهای فرهنگی نهاد دین می باشد.

دین در لغت به معنای قید و بند، الزام، تعهد، تکریم، تقدیس، شریعت، مذهب، ورع، اطاعت، پاداش انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست. (ربانی و گنجی، به نقل از عباس زاده و ۱۳۹۴: ۸۹). معنای اصطلاحی آن نیز مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان ها باشد. آنگاه که همه این مجموعه حق باشد دین را دین حق یعنی دینی که عقاید، اخلاق و قوانین و مقررات آن از طرف خداوند نازل شده می نامند. در قرآن از آن به دین الله و دین الحق یاد شده است. (همان).

نهاد دین به عنوان یکی از نهادهای بنیادی که در همه جوامع می توان آن را بازشناخت دارای کارکردهای مختلفی من جمله کمک به اشخاص در پیدا کردن هویت اخلاقی - فراهم کردن تفسیرهایی که به تبیین محیط طبیعی و اجتماعی انسان - تقویت روحیه اجتماعی، انسجام اجتماعی و همبستگی گروهی - تقویت و تحکیم مبانی ارزشی زندگی انسانی و وحدت نوع بشر است. و دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، آموزه ها، اصول صریح و شفاهی برای روابط اجتماعی و تربیت شهروندی دارد و با توجه به اهمیت نهاد دین در ایران و اثر گذاری آن در تمامی جوانب زندگی، و فقدان پژوهش در این باب، این پژوهش درصدد بررسی مؤلفه های تربیت شهروندی در دین اسلام است به عبارتی در پی پاسخ به این سوال اصلی است: آیا مؤلفه های تربیت شهروندی که شامل (آزادی بیان، تساهل و مدارا، اندیشه ورزی، مسئولیت پذیری و ..) در دین اسلام وجود دارد؟

۱.۱. پیشینه تحقیق:

مرور سوابق پژوهشی در کشور نشان داد که عزت الله کیشانی فراهانی، محسن فرمهینی فراهانی و اکبر رهنما در پژوهشی با عنوان "مؤلفه های اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی" که با استفاده از روش پژوهشی تلفیقی، تحلیلی اسنادی و پیمایش دلفی انجام دادند. دوازده مؤلفه اساسی تربیت شهروندی اسلامی - ایرانی مشتمل بر مؤلفه های ارزشمندی، هدفمندی، روشمندی، نועدوستی، مردم سالاری دینی، شایسته سالاری، جستجوگری، استقلال فردی، کفایت، سلامت، وطن دوستی و اعتدال را نشان دادند.

نریمانی (۱۳۸۹) در بررسی "میزان رعایت مبانی، اصول و مؤلفه های تربیت شهروندی بر اساس آموزه های اسلامی" با استفاده از روش پیمایش و نظرسنجی از دانش آموزان متوسطه شهر اصفهان به این نتیجه گیری کلی رسید که نمی توان تربیت مذهبی و دینی را از تربیت شهروندی متمایز دانست و ترویج آموزه های اسلامی در تحقق ابعاد مختلف مؤلفه های تربیت شهروندی مؤثر می باشند.

محمد حسین حیدری، کمال نصرتی هس و محمد نریمانی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان "اصول تربیت مبتنی بر مبانی ارزشی تربیت شهروندی از منظر اسلام" با بهره گیری از رویکرد کیفی و با روش تحلیلی - استنتاجی، به اجمال پس از بازبینی منابع قابل دسترس، شماری از اصول تربیت را بر اساس مبانی نظام ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه اسلام استنباط و معرفی کرده است. یافته های حاصل از این تحقیق، حول مبانی تربیت شهروندی، از این قرار است: توحید محوری، عدالت محوری، آزادی، عقلانیت، احترام به کرامت انسان، تعاون و برادری و شور و مشورت.

۲. چارچوب نظری

شهروندی از مفاهیم با اهمیت در حوزه علوم اجتماعی است که ناظر بر نوع روابط میان افراد با یکدیگر است، روابطی که از سوی دولت نیز حمایت می شود. از لحاظ تاریخی ریشه های توجه به مفهوم شهروندی و حتی آموزش و یا تربیت شهروندی به دوران باستان باز می گردد. جمهوری افلاطون (۱۳۸۰) و سیاست (۱۳۵۸) ارسطو از جمله نخستین آثاری هستند که به ویژگی های یک شهر مطلوب و نقش و وظایف شهروندان در آن پرداخته شده است. شهروندان مطلوب افلاطونی کسانی اند که از دو عنصر عقل و اراده برخوردارند همان گونه که از جنبه فردی ضروری است تا عقل بر اراده و احساس آدمی غلبه نماید. یک جامعه مطلوب، جامعه ای است که عقل جامعه - فیلسوفان - بر آن حکومت کنند. چنین نظامی امری طبیعی و لازم است. (خاتمی، ۱۳۸۱ به نقل از قاسم پور خوشرودی و حیدری، ۱۳۹۴: ۲۷۴)

افلاطون معتقد است، ارزش هایی که در تربیت شهروند مطلوب به کار می رود مطلق و غیر قابل تغییر هستند و فعالیت نهادهای آموزشی در تربیت شهروند باید مبتنی بر اصول دائمی " خوب، صحیح و زیبا" باشد و در این میان ارزش های معنوی را از ارزش های دیگر برتر می داند و معتقد است که ارزش های معنوی و اخلاقی بالاترین مرتبه را در میان ارزش ها دارند؛ و معیارهایی هستند که باید شهروندان خود را با آنها تطبیق دهند و اینکه تربیت باید چهار فضیلت بنیادی - اخلاقی یعنی عدالت، شجاعت و خویشتن داری و دانایی را در شهروندان به وجود بیاورد. (فرمهبینی و فراهانی، ۱۳۹۳: ۱۲)

از آنجا که ارسطو به تأثیر افلاطون سخن می گوید بر آن است که جامعه آن گاه خوب است که زمینه تحول اخلاقی شهروندان را فراهم آورد. به گونه ای که شهروند خوب، همانا انسان خوب باشد. از این رو بهترین جامعه آن است که بهترین زندگانی را برای شهروندان ممکن سازد. بنابراین نکته باید سنجیده شود که زندگانی خوب کدام است. ارسطو از این سنجش نتیجه می گیرد که زندگانی خوب، زندگانی آسوده و همراه با شایستگی اخلاقی است که همانا میانه روی و اندازه نگه داشتن در کارهاست. (نقیب زاده، ۲۰۰۴ به نقل از فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۳: ۱۳). در قرن های بعد اندیشمندان تربیتی و اجتماعی مانند روسو، لاک، کانت، جان دیویی به موضوع تربیت شهروندی اشاره داشتند. روسو، کار تربیت را بیش از هر چیز دور نگه داشتن طبیعت آدمی از پلیدی های جامعه می دانست. لاک، وظیفه تربیت را بار آوردن افراد متناسب با فلسفه و اوضاع اجتماعی معرفی کرد..

از منظر هانا آرنه حقوق و وظایف شهروندی اموری پیشینی نیست، بلکه بر ساختی از عمل شهروندان بر سازنده ساخت سیاسی است. (آرنه، ۱۹۹۸) به طوری که شهروند محق است تا کیستی خود را با گفتار منکشف سازد و با داشتن حق آزادی بیان افکار، عقاید، نظریات خود را با دیگران در بستر عمومی در میان گذارد و همچنین علاوه بر گفتار به انجام کنش در عرصه سیاست بپردازد. در برابر آن، وی موظف است که این حقوق را برای دیگری نیز به رسمیت بشناسد و اجازه دهد دیگری گفتار و کنش خود را در بستر عمومی عرضه بدارد. علاوه بر اینها چنین شهروندی حق برخورداری از آزادی و تصدیق آنرا برای دیگری دارد. حقوق دیگری که شهروند باید از آن برخوردار باشد و وظیفه دارد آنرا برای دیگری به رسمیت بشناسد. سهمیم شدن در قدرت، مشارکت و تصمیم گیری است؛ بدین معنا که شهروندی که فاقد قدرت است توانایی سهمیم شدن در تصمیم گیریها و به تبع آن مشارکت در امور سیاسی را ندارد؛ زیرا وقتی که قدرت خاصیت توافقی خویش را از دست دهد و در دست اندکی قرار گیرد، دیگران از آن محروم و در نتیجه به خشونت تبدیل خواهد شد به گونه ای که در این شرایط شهروندان قادر به مشارکت در امور سیاسی جامعه خود نبوده و ناتوان از تصمیم گیری درباره سرنوشت خویش خواهند بود. (آرنه، ۱۹۷۰، به نقل از خضری اقدم و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶)

اخلاق در شهروندی آرنتی: رویکرد غایت گرایی اخلاقی که در آثار گوناگون هانا آرنه، به ویژه در تحلیل او از مفهوم شر (evil) دیده می شود، حاکی از نوعی فضیلت مداری اخلاقی در نظریات ایشان است که در این رویکرد آرنه همچون ارسطو رسیدن به سعادت را در گرو فضیلت (virtue) می داند و عقل ورزی را شالوده فضایل به شمار می آورد که در آن تمام قوای عقلی در پی دست یابی به فضیلت از طریق فرونسیس هستند. (ارسطو، ۱۳۸۹). در ساخت شهروندی نیز شهروندان اعمال خود را بر عقل عملی مبتنی می سازند و قبل از انجام هر عمل به تفکر می پردازند. یعنی تفکر زمینه را برای گفت و گوی درونی فرد با خویشتن فراهم می کند و در این گفت و گو است که تفکر با معنا بخشی مثبت و منفی به اعمال گوناگون خواست و اراده آدمی را برای انجام دادن عمل یا عدم انجام دادن آن شکل می دهد. لازمه چنین وضعیتی این است که شهروند از نظر فکری فردی مستقل و آزاد باشد و بتواند خود را از طریق تصمیم گیری های مبتنی بر عقل عملی و تشخیص معنای امور گوناگون دست به فعالیت بزند. (آرنه، ۲۰۰۳). شهروند آرنتی که واجد چنین ویژگیهایی است شهروندی فضیلت مند است که با خود مختاری عقلانی خویش به تصمیم گیری درباره امور می پردازد. او مسئول در برابر دیگر شهروندان و همچنین متعهد به انجام عمل شهروندی خود است و در بستر عمومی در جهت خیر جمعی و برای رفع آسیب های ناشی از ویژگیهای بازگشت ناپذیری و پیش بینی ناپذیری عمل دیگر شهروندان، به تفکر می پردازد و با بازشناسی معنای مثبت در اعمال چون بخشودگی و قول دادن از آسیب هایی که متوجه حوزه سیاسی و نابودی آن است جلوگیری می کند. (آرنه، ۱۹۹۸). با توجه به این موارد، می توان گفت فضیلت مداری شهروندان یکی از ویژگیهای مهم است که بدون آن عرصه عمومی با خطر فروپاشی مواجه می شود چنین فضیلتهایی در بستر عمومی نمود می یابند و متوجه خیر جمعی هستند به طوری که لازمه برخورداری از چنین فضایی وجود شرایط آزاد و برابری است که در آن شهروندان متفکر و معنا جو بتوانند دست به انتخابهای معنادار و عقلانی معطوف به خیر جمعی بزنند. (خضری اقدم و دیگران، همان، ۱۳۹۴: ۱۸)

از بحثهای پیش گفته در باب شهروندی آرنتی، ویژگیهایی چون آزادی، عقلانیت، تساهل و مدارا، مسئولیت پذیری، تفکر منطقی، اندیشه ورزی، گفت و گو قابل دریافت است. به طوری که می توان گفت سازه شهروندی آرنتی بر ساختی از این مؤلفه هاست که ویژگیهای مهم و لازم را در این نوع شهروندی بازنمایی می کنند، پژوهش حاضر، این مؤلفه ها را به عنوان مبانی تربیت شهروندی آرنتی در نظر می گیرد. و سعی بر آن است که این مفاهیم را در دین اسلام بیان نماید.

۳. روش پژوهش: پژوهش حاضر را می توان در زمره پژوهش های توصیفی- تحلیلی به حساب آورد که با استفاده از روش اسنادی و تکنیک فیش برداری در پی پاسخ به سوالات تحقیق است. منبع مورد استفاده، منبع دست اول "قرآن" می باشد. هر چند منابع زیادی در خصوص تربیت شهروندی در اسلام وجود دارد و از احادیث و سنت معصومین هم نکات مهمی در باب شهروندی می توان به روش اسنادی استخراج نمود. ولی با توجه به اهمیت منابع دست اول در تحلیل اسنادی، در این پژوهش از منبع دست اول استفاده شده است.

۴. یافته های پژوهش:

با توجه به مؤلفه های تربیت شهروندی در آراء هانا آرنت، که شامل مؤلفه هایی (آزادی، تساهل و مدارا، تفکر منطقی و اندیشه ورزی، مسئولیت پذیری) است. در این پژوهش ابتدا مؤلفه های مذکور را تعریف مفهومی می نمائیم، سپس به نقش آنها در قرآن می پردازیم. **تعریف آزادی:** آزادی واژه ای اوستایی است از ریشه آزاتِه یا پهلوی از ریشه آزاتیه به معنای رها بودن، یله بودن، منقطع بودن، خالص بودن، آزاد مردی، خرمی، قدرت انجام و ترک عمل، قدرت انجام و ترک عمل، قدرت انتخاب، حریت، اختیار، عتق، خشنودی و .. است. (دهخدا، ۱۳۷۷، به نقل از کریمی و جمالی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۶۵)

آزادی در دین اسلام

بر خلاف تصورات کارسازی شده درباره وجود تعارض ذاتی میان "دین" و "آزادی" که بعضا با استناد به مؤیداتی از تجربیات تاریخی دینداران نابردبار مطرح می شود، آزادی بیش از هر جای دیگر، در اصول عقاید و تعالیم ادیان توحیدی ریشه دارد. بشر امروز که بعضا علم بی نیازی از دین را در برخی از نقاط عالم برافراشته، در آرمان های مقبول و مطلوب خویش بیش از هر سرچشمه دیگری به این ادیان مدیون است؛ حتی اگر تحت تأثیر پارادایم غالب و فضای هنجاری حاکم، آنها را در چالش با عقاید و تعلقات دینی خویش، درک و تعریف کند ادیان توحیدی، چنان پشتوانه های محکم هستی شناختی و انسان شناختی برای آزادی فراهم آورده اند که کمتر نظیری از آن را می توان در فلسفه های الحادی مدافع آزادی پیدا کرد. (شجاعی زند، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

مفهوم آزادی دین اسلام دارای آنچنان اهمیت و جایگاهی است که در سوره های مختلف قرآن بر آن تأکید شده است و با توجه به گستره مفهوم آزادی، انواع آزادی هم در این کتاب زندگی مطرح شده است. است که در زیر به این سورها و آیات اشاره می کنیم.

۱- انواع آزادی در قرآن

۱-۱. آزادی عقیده

در حوزه دین و امور اعتقادی و ایمان نمی توان انسانها را علی رغم میل باطنی به عملی وادار نمود. خداوند در سوره بقره می فرماید: "أَلَا يُكْرَهُ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ" (بقره/۲۵۶) "و نیز در همین سوره می فرماید: "هدایت آنها) به طور اجباری) بر تو نیست؛ (بنابرین، ترک اتفاق به غیر مسلمانان، برای اجبار به اسلام، صحیح نیست؛ ولی خداوند، هر که را بخواهد(و شایسته بداند)، هدایت می کند". (بقره، ۲۷۲،

حکمت الهی بر آن است که با حفظ آزادی انسان، هدایت و ضلالت، سعادت و شقاوت و خیر و شر برای مردم تبیین شود و آنان در انتخاب یکی از دو طریق مختار می باشند. خداوند در سوره انسان می فرماید: "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا" (انسان/۳)؛ آیاتی که پیامبران نمی توانند برای پذیرش دین مردم را مجبور ساخته و با روش های مستبدانه و خشونت آمیز مردم را به سوی خداوند بخواهند، چرا که اگر هدف این بود خداوند متعال همه را مومن می آفرید:

"و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می آوردند؛ آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟! (یونس، ۹۹)

همچنین در آیات سوره انعام خداوند خطاب به پیامبر می فرماید "وَمَا أَنْتَ بِوَكِيلٍ" (انعام/۱۰۷)، "قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ" (انعام/۶۶)، "من مسئول (ایمان آوردن) شما نیستم! (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است، نه اجبار شما بر ایمان." و در همین سوره خداوند می فرماید: "دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که (به وسیله آن، حق را) ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم پپوشد، به زیان خودش می باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم(و شما را بر قبول ایمان مجبور نمی کنم). (انعام/ ۱۰۴) " اما اگر خدا بخواهد، آنها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد، (ولی هدایت اجباری، چه سودی دارد؟) پس هرگز از جاهلان مباش! (انعام، ۳۵)

و نیز در سوره غاشیه با مبنا قرار دادن اختیار و آزادی انسان و اهمیت این ارزش اصیل در دین اسلام، ایمان و دینداری را منوط به رعایت اصل آزادی انسان می داند و می فرماید: "فَذَكَرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ" (الغاشیه/ ۲۱) "لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ" (الغاشیه/ ۲۲) "تو سلطه گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی." و نیز در سوره رعد شاهد تأکید بر این امر می باشیم:

"اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می کند(اما هدایت اجباری سودی ندارد)!(رعد/ ۳۱) و در همین سوره می فرماید: " و اگر پاره ای از مجازاتها را که به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم، یا (پیش از فرا رسیدن این مجازاتها) تو را بمیرانیم در هر حال تو فقط مأمور ابلاغ هستی؛ و حساب(آنها) بر ماست".(رعد/ ۴۰)

" و بر خداست که راه راست را (به بندگان) نشان دهد؛ اما بعضی از راه ها بیراهه است! و اگر خدا بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می کند؛ ولی اجبار سودی ندارد" (نحل/ ۹)

" (آنچه خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه های حلال)، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ایمان) نیستم!". (هود، ۸۶)

آیاتی در قرآن کریم است که در آنها خداوند خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: " و اگر پروردگار تو می خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می آوردند؛ آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (یونس، ۹۹)

و باز در همین سوره: " بگو: ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد، برای خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می گردد؛ م من مأمور (به اجبار) شما نیستم!". (یونس ۱۰۸)

" و اگر روی گردان شوند(غمگین مباش)، ما تو را حافظ آنان (و مأمور اجبارشان) قرار نداده ایم؛ وظیفه تو تنها ابلاغ رسالت است!" (شوری، ۴۸) نیز در همین سوره " و اگر خدا می خواست همه آنها را امت واحدی قرار می داد (و به زور هدایت می کرد، ولی هدایت اجباری سودی ندارد). (شوری، ۸)

اصلی ترین و ابتدایی ترین معنای آزادی، داشتن اختیار است و در مقابل جبر (مجبور بودن) قرار دارد آیاتی در قرآن وجود دارد که انسان را مختار دانسته و با تاکید بر پیامبر بر اینکه پیامبر وظیفه ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد؛ (و مسئول اعمال شما نیست). (مائده/ ۹۹) در سوره کافرون " لَكُمْ دِينَكُمْ وَ لِي دِينِ " (کافرون/ ۶) (حال که چنین است) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم!"

قرآن کریم در راستای تکریم و احترام به اراده انسان و اندیشه و شعور او هر گونه تحمیل عقیده و اجبار در امر انتخاب دین را نهی می کند که این مفهوم در آیات سوره های متعدد قرآن (نحل/ ۹۳، اعراف/ ۱۷۶، سوره ق آیات ۴۵ / ۶، نور / ۵۴، اسراء / ۵۴، تغابن آیات ۲ / ۱۲ به آن اشاره شده است.

آزادی بیان در قرآن

آزادی بیان از نظر قرآن یک سنت الهی به شمار می رود و اساسا آیات و سوره های قرآن سرشار از گفت و گوهای منطقی، شنیدن سخن مخالفان، آزادی بیان و .. می باشد؛(هاشمی رفسنجانی، به نقل از سنچولی، ۱۳۹۱: ۸۳) چنان که سوره ها ی " زمر، آل عمران، عنکبوت " به آن اشاره دارد: " همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمنداند." (زمر / ۱۸). و در سوره آل عمران " اگر با تو به گفتگو و ستیز برخیزند، (با آنها مجادله نکن!) (آل عمران / ۲۰)

و نیز در همین سوره که می فرماید: " هر گاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباحله کنیم." (آل عمران / ۶۱)

و در سوره عنکبوت " با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید(عنکبوت/ ۴۶) که در این آیات فوق الذکر از آزاد بودن در مباحث کلامی و مناظرات دینی سخن به میان آمده است. این مطلب بیانگر آنست که اگر آزادی بیان وجود نداشته باشد، مباحث کلامی و مناظرات دینی فایده ای ندارد و نمی تواند به اهداف درست و مطلوب خود دست یابد(شیرزاد، به نقل از خرم ورز، ۱۳۹۱: ۵۴)

آزادی در سکونت

در قرآن کریم به مسئله آزادی در حوزه سکونت در آیاتی اشاره شده است. بر این اساس حق مسکن و بهره مندی از آن بسیار حائز اهمیت دانسته شده است در سوره عنکبوت می فرماید: " يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإَيَّآيَ فَاعْبُدُونِ " (عنکبوت/ ۵۶). مطابق این آیه حق سکونت، در هر مکانی در کره زمین برای بشر با توجه به ایمان و بندگی خدا مباح شمرده شده است. هم چنین در سوره بقره(ایه ۲۱۷) آواره کردن از محل سکونت گناهی بزرگ شمرده شده است و به عنوان فتنه توصیف گردیده است. در واقع مطابق قرآن کریم هیچ کس حق ندارد مانع افراد جهت سکونت در مکانی که خود انتخاب کرده اند شود. چنانچه در سوره (آل عمران/ ۹۶)، سوره (بقره/ ۲۴۶) و سوره (حج / ۴۰) به آن اشاره گردیده است. (شیرزاد، به نقل از خرم ورز، ۱۳۹۱: ۵۴).

آزادی سیاسی در قرآن

قرآن کریم، حق دخالت در نظام سیاسی و برخورداری از حق انتخاب را به رسمیت می شناسد و از هر گونه استبداد نهدی می کند و لزوم دخالت مردم در تعیین و سرنوشت امور خویش، را یادآور و آزادی سیاسی آنان را به رسمیت شناخته و تأمین کرده است. (سنجولی، ۱۳۹۱: ۸۵) چنان که در سوره فتح می فرماید: "کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنهاست؛ پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است؛" (فتح/ ۱۰)

در سوره توبه به این امر اشاره می کند. "و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود(و در آن بیندیشد)؛ سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند! (توبه/ ۶)

یکی از شاخصهای آزادی سیاسی، نقد حاکم می باشد. خداوند در سوره طه در این باره می فرماید: "گفتند: "سوگند به آن کسی که ما را آفریده، هرگز تو را بر دلایل روشنی که برای ما آمده، مقدم نخواهیم داشت! هر حکمی می خواهی بکن؛ تو تنها در این زندگی دنیا می توانی حکم کنی!" (طه، ۷۲)

در این آیه خداوند نقد فرعون را یک ویژگی مثبت همکاران گذشته فرعون یاد می کند. بی گمان میان انتقاد و انتقام، تفاوت است. انتقام تخریب شخصیت دیگری است. در حالی که انتقاد، بیان کاستی های رفتار با انگیزه اصلاح کارهاست. در اندیشه دینی نقد حاکم از حقوق حاکم شمرده شده است که باید از سوی مردم ادا شود، نه آنکه حق شهروند باشد که اگر خواست اعمال کند و اگر نخواست اعمال نکند. (مرتضوی، ۱۳۹۱: ۱۸۰)

در نظام سیاسی عدم تبعیض یکی از شاخص های آزادی سیاسی است. تبعیض در این زمینه در چند حوزه قابل بررسی است: الف) تبعیض نژادی: به این معنا که برای یک نژاد برتری قائل شوند و بقیه را محروم کنند. این نوع تبعیض به شدت در متون دینی محکوم شده است، به عنوان نمونه:

"(ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است!" (حجرات، ۱۳)

ب) تبعیض جنسی: به این معنا که تنها به مردان اجازه فعالیت سیاسی داده شود. این نوع تبعیض نیز در آیات و روایات نفی شده است، به عنوان نمونه خداوند در سوره ممتحنه آیه ۱۲ به پیامبرش دستور می دهد هر گاه زنان مؤمن برای بیعت نزد تو آمدند از آنان بیعت بگیر.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّ فِي مَعْرُوفٍ قَبَائِعِهِنَّ وَأَسْتَعْفِرْنَ لِهِنَّ اللَّهُ ۖ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بر این اساس زن می تواند در مسائل سیاسی دخالت کند، رأی بدهد با رهبر جامعه اسلامی بیعت کند و اظهار نظر کند. (مرتضوی ۱۳۹۱: ۱۸۳)

حدود آزادی از نظر اسلام

از آنجا که انسان موجود محدودی است، آزادی او نیز محدود است؛ تنها مرجع تعیین حدود آزادی نیز، خداوند متعال است. (جوادی آملی، ۱۳۷۷ به نقل از سنجولی، ۱۳۹۱: ۸۸). از نظر اسلام، آزادی هر فرد، نه تنها به رعایت حقوق و آزادی دیگران محدود است بلکه به اصل کرامت انسان نیز مقید می شود. بنابراین اگر وجود نوعی از آزادی، موجب نقض کرامت او گردد، چنین آزادی، مشروع تلقی نخواهد شد تا چه رسد به آن که موجب نقض کرامت دیگر افراد و یا نقض کرامت جامعه گردد. از دیدگاه اسلام، کرامت برای انسان نه تنها حق است، بلکه تکلیف نیز هست. (همان)

تسامح و تساهل: کلمات تسامح و تساهل در زبان عربی معمولاً مترادف با یکدیگر به کار برده می شوند. "تسامح" از ریشه "سمح" به معنای بخشش و سخاوت، بلند نظری، آزادی و آزاد منشی است، که به نوعی بزرگواری و جوانمردی در آن نهفته است؛ "تساهل" از ریشه "سهل" به معنای سهل گرفتن، آسان گرفتن، سعه صدر و تحمل هر گونه عقیده مخالف می باشد. (فیروزآبادی، به نقل از مفتخری و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۲)

تساهل و مدارا در قرآن

بر خلاف نظر خاور شناسان که با تکیه بر پیش داوری و احیانا با استناد به برخی از منابع اسلامی کوشیده اند از اسلام تصویری خشن ارائه کنند تساهل یک اصل مهم در دین اسلام است. هر چند در قرآن کلمه تساهل ذکر نشده است، اما دو دسته از آیات، بر این معنا دلالت دارند: (مروتی، ۱۳۹۴: ۷۷) دسته نخست آیاتی است که واژه های "لین، عفو، صفح، غفران، خلق عظیم، رحمت" در آنها آمده است که برای روشن شدن مطلب به ذکر دو آیه از آنها می پردازیم:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ۗ فَاعْفُ عَنْهُمْ... (آل عمران/ ۱۵۹)

در سوره تغابن دستور عمومی به مسلمانان داده است: وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ " (تغابن/ ۱۴) و اگر ببخشاید و درگذرید و ببامزید، براستی که خدا آمرزنده مهربان است." در این آیه چهار بال اخلاق یعنی: عفو، صفح، غفران و رحمت به روشنی آمده است.

دسته دوم آیاتی هستند که مفهوم آنها دلالت بر مدارا و تحمل مخالفین دارد؛ مانند :

"ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۗ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (توبه/ ۶). با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به (شیوه ای) که نیکوتر است مجادله نما. در حقیقت پروردگار تو به (حال) کسی که از راه منحرف شده داناتر، و او به حال راه یافتگان (نیز) داناتر است. (نحل/ ۱۲۵) و در سوره توبه می خوانیم " و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن ببیند)؛ سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!

و در سوره مومنون با بیان " بدی را به شیوه های نیکو دفع کن ما به آن چه وصف می کنند، داناتریم. (مومنون/ ۹۶) و همچنین با بیان این مطلب که (با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید. (عنکبوت / ۴۶) اهمیت و جایگاه تساهل و مدارا را نشان می دهد.

در دین اسلام در برخی موارد تسامح و تساهل امری ممدوح و مطلوب است (چناری و کاظمی زاده، ۱۳۹۶: ۷) از جمله:

۱. تساهل و تسامح در رویارویی با مردم: قرآن کریم درباره رمز موفقیت پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

" ای پیامبر، تو به لطف و رحمت الهی با آنان نرمخو شدی و اگر تند و خشن و سخت دل بودی، بی گمان گرد تو پراکنده می شدند. پس از نقصیر آنان بگذر و (به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)؛ (آل عمران/ ۱۵۹).

و در سوره الاعراف خذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن)؛ (اعراف/ ۱۹۹)

قرآن کریم در آیه ای دیگر فرموده است: " و بندگان خدای رحمان کسانی اند که بر روی زمین به نرمی گام بر می دارند و چون نادانان آنها را مورد خطاب قرار می دهند به ملایمت پاسخ می دهند. " (فرقان/ ۶۳).

و در سوره بقره با بیان " بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد- که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملا روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید. " (بقره، ۱۰۹)

قران مجید همواره به دنبال قانون و "حق مقابله به مثل" برای ستم کشیدگان آنان را به گذشت بزرگواران و با عزت و نه از روی ضعف و ذلت- از مجرم تشویق می کند اگر چه مقابله به مثل مصداق "عدالت" است و حتی از نظر اخلاقی نیز ناپسند نیست ولی بالاتر از "عدالت" گذشت و احسان است که نشانه قدرت روحی و عظمت شخص مومن است. قران مردم را به گذشت و احسان که مصداقی از تساهل و مدارا است دعوت می کند.

آیات متعددی در این باره در قران هست؛ از جمله در سوره شوری "کیفر بدکاری کاری همانند آن است ولی اگر کسی ببخشد و اصلاح نماید پاداشش نزد خدا محفوظ است" (شوری/ ۴۰) . و نیز این آیه "و آنکس که بردبار شد و گناه دیگران را ببخشد، این کار از توانایی اراده (و قدرت روحی) اوست" (شوری، ۴۳).

۲. تسامح و تساهل در تشریح احکام و مقررات دینی: در سوره حج آمده است: "وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ" (حج/ ۷۸)

۳. تسامح و تساهل در دعوت مردم به دین: در این باره در سوره نحل می خوانیم: "با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!" (نحل، ۱۲۵)

۴. تسامح و تساهل اسلام در همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان با پیروان ادیان دیگر: خداوند در سوره انعام می فرماید: " (به معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد). " (انعام، ۱۰۸)

و در سوره بقره " هنگامی که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید؛ (و بر این پیمان گواه بودید". (بقره /۸۴) و همچنین در سوره حجرات آیه ۱۰ می خوانیم "مومنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را آشتی دهید"

۵. تساهل و تسامح خداوند در پاداش (چناری و کاظمی زاده، ۱۳۹۶: ۷) خداوند در سوره انعام می فرماید: "هر کس کار نیکی بجا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز بمانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد". (انعام/۱۶۰) تفکر انتقادی یکی از مؤلفه های مورد تأکید هانا آرنست در تربیت شهروندی است. در این بخش به تعریف تفکر انتقادی و جایگاه آن در دین اسلام می پردازیم.

تفکر انتقادی: تفکر بر وزن تفاعل از واژه فکر به معنی اندیشیدن است. فکر در لغت یعنی اندیشه، تأمل، اعمال نظر و تدبیر، برای بدست آوردن واقعیات، عبرت ها و غیره (قرشی، ۱۳۶۱ به نقل از کریمیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶۸) ریشه کلمه انتقاد نقد است. نقد در همه زبان های اروپایی، البته با کمی تفاوت، با لغت "کریتیک" critic شناخته می شود که از واژه یونانی "کریتیس" crities مشتق شده و برای خود یونانیان معنایی چون "جداسازی"، "داوری"، و یا حتی "دادرسی" نیز داشته است. (محمدی پویا و صالحی، ۱۳۹۳: ۲۶)

تفکر انتقادی در قرآن کریم

در جهان بینی اسلامی اندیشه و تفکر انتقادی، عنصر اساسی زندگی فردی و اجتماعی است. اهمیت و جایگاه تفکر انتقادی در قرآن کریم به عنوان نسخه کامل و بی بدیل انسانی، با واژه های و تعبیر متفاوت بیان شده است. واژه هایی مانند تعلمون، تفکرون، عقل، استماع قول، اتباع احسن و ... که در قرآن مکررا به کار برده شده است و به مفهوم تفکر انتقادی اشاره می نماید. به عنوان مثال در سوره مبارکه زمر خداوند می فرماید:

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/۱۸)

"بهترین بندگان من کسانی هستند که حرف ها را می شنوند و بهترین آن را قبول می کنند". در آیه فوق واژه های استماع قول -اتباع احسن. هریک به گونه ای . اهمیت و جایگاه تفکر انتقاد و را بیان می کند. در کلمه "استماع" نکته نغز ویژه ای نهفته است که در "سمع" نیست. شنیدن سخن دیگران، با آن صورتی که ناخواسته سخن دیگری به گوش برسد، تفاوت دارد. آن که گوش فرا می دهد، نقد و بررسی نیز می کند، تمام پیامدهای خوب و بد و زیبا و زشت سخن را می سنجد، آن گاه دست به گزینش می زند. به هنگام برگزیدن نیز، میان خوبیها و خوب ترها، به گونه ای ارزیابی می کند و در پایان با آگاهی و بررسی همه جانبه، سخن نیکوتر و پیشنهاد به واقع نزدیک تر و طرح و برنامه خردمندانه تر را بر می گزیند.

در اهمیت تفکر انتقادی و اندیشه ورزی همین کافی است که خدای سبحان، انسانها را به یادگیری شناخت و معرفت دعوت می کند و کسانی را که اهل تفکر، تدبیر و تعقل نیستند، به شدت نکوهش می کند. همچنین انسان را از پیروی آنچه که به آن شناخت ندارد، منع نموده و می فرماید: "وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ" (اسراء/۳۶).

عقل

واژه دیگری که در قرآن آمده و به معنای تفکر و اندیشه ورزی است. کلمه عقل می باشد. عقل در کتاب خدا به صورت "عقلوه" یک بار، "عقلون" ۲۴ بار، "نقل" یک بار، "يعقلها" یک بار، و "يعقلون" ۲۲ بار آمده است. (علامه طباطبایی، به نقل از مقتدایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۷) که از دقت در آنها بدست می آید که در تمامی موارد به معنی فهم و درک است. در اندیشه دینی "عقل فرستاده ی پروردگار و اساس و معیار امور است" بر اساس متون دینی "خداوند دو حجت دارد: حجت ظاهری و حجت باطنی، حجت ظاهری، پیغمبرانند که عقل خارجی هستند و حجت باطنی، عقل است که پیغمبر درونی است." عقل و اختیار انسان در کنار هم معنا می یابند، عقل به او کمک می کند تا تصمیم سنجیده و آزادانه بگیرد. انسان، اختیار و آزادی دارد و گرنه پندها، ترغیب ها، احکام، پرهیزها، پاداش ها و توبیخ ها، همه بی فایده خواهد بود. در نتیجه بین اختیار و عقلانیت "رابطه مستقیم" وجود دارد.

. آیات قرآن مجید با الفاظ و تعبیر متفاوت، کلام معصومین (ع) و گفتار دانشمندان اسلامی در نوشتارهایشان مؤید این ادعاست؛ به همین سبب آیات متعدد با مضامین گوناگون انسان را به تعقل و و در یک کلام به عقل ورزی و خردورزی دعوت، و تربیت انسان را با مبنا و اساس تعقل و تفکر پایه ریزی می کنند؛

برای مثال در سوره های حج، عنکبوت و بقره خداوند می فرماید: "أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ" (حج /۴۶) "

همینطور در سوره عنکبوت خداوند با بیان کلمه يعقلون می فرماید: "وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيْنَهُمْ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ"

(عنکبوت/۳۵) " در سوره بقره با بیان " لایات لقوم یعقلون به جایگاه تعقل و اندیشه ورزی اشاره می نماید و برای اثبات خدا اشاره به آفرینش آسمان و زمین و ... می کند و فهم این نشانه ها را منوط به کسانی می داند که دارای قوه تعقل باشند و اندیشه کنند.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (بقره/۱۶۴)

و باز در همین سوره :

"وَأِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آتَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ" (بقره/۱۷۰)

" و هنگامی که به آنها گفته شود: " از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!" می گویند: " نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می نماییم." آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند(باز از آنها پیروی خواهند کرد)؟! "

وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً ۗ صُمُّ بَكُمْ عَمًى فَهَمُّ لَا يَعْقِلُونَ (بقره/۱۷۱)

تربیت عقلانی زیر بنای تفکر انتقادی است. بدین ترتیب می بینیم که آیات مختلف قرآن، ناظر به تشویق، ترغیب و توجه دادن افراد به خردورزی است.

تعریف مسئولیت پذیری:

مسئولیت به معنای ضمانت و تعهد است. مسئولیت چیزی یا کسی بودن، یعنی به گردن او، در عهده او، در ضمان و پایبندی او بودن است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۸۴۶۵) مسئولیت پذیری از آموزه های مهم ادیان الهی به ویژه دین اسلام است. دامنه مسئولیت پذیری در اسلام حوزه وسیعی را شامل می شود. یک انسان مسلمان، در قبال خدا، خود، جامعه و محیط زیست مسئول معرفی شده است. (داداشی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۵) اصل مسئولیت پذیری و اهتمام مسلمانان نسبت به همدیگر که از آن به " تکافل اجتماعی " تعبیر می شود به عنوان یک اصل مهم در سوره های قرآن به آن تأکید شده است که به عنوان مثال قرآن کریم در سوره انفال در زمینه اصلاح بین مردم به عنوان یکی از مؤلفه های مسئولیت پذیری می فرماید: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ. « (انفال/۱) و همچنین در سوره حجرات نیز به این مسئله سفارش شده است. " مومنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید! " (حجرات، ۱۰)

رفع نیازهای دیگران به عنوان یکی دیگر از مؤلفه های مسئولیت پذیری در سوره معارج به آن اشاره شده است.

"در اموال ثروتمندان حقی معلوم برای نیازمند است". (معارج ۲۴ / ۲۵) و همچنین در سوره مائده با بیان " و تعاونوا علی البر و التقوی " (مائده/۲) اهمیت و جایگاه مسئولیت پذیری را مورد تأکید قرار می دهد و در سوره دهر با ترغیب انسانها به یاری یکدیگر یکی از ویژگی های مسلمان را کمک به هموع می داند و می فرماید: " غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به مسکین و یتیم و اسیرمی دهند! (دهر/۸).

۵. نتیجه گیری

تربیت شهروندی به مثابه آموزش دانشها، مهارتها، نگرش ها و ارزشهای شهروندی جهت زندگی در جامعه و تعاملات مناسب با مردم از جمله اهداف و کارکردهای فرهنگی نهاد دین می باشد. شهروندی از مفاهیم با اهمیت در حوزه علوم اجتماعی است که ناظر بر نوع روابط میان افراد با یکدیگر است در قرن اخیر موضوع تربیت شهروندی به عنوان یکی از موضوعات مهم در جامعه مطرح گردیده است. هر چند آراء اندیشمندان مختلف در حوزه شهروندی متکثر است، در پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن نظریات هانا آرنه به عنوان یکی از نظریه پردازان تربیت شهروندی و بیان مولفه های تربیت شهروندی که شامل مولفه هایی؛ (آزادی بیان، تساهل و مدارا، تفکر انتقادی، مسئولیت پذیری) است به شرح این مفاهیم در دین اسلام پرداخته ایم و در پاسخ به سوال نقش دین اسلام بر تربیت شهروندی با روش پژوهش کیفی (اسنادی) اثبات کردیم که دین اسلام به عنوان کاملترین دین آسمانی نقش مهمی در تربیت شهروندی - به مثابه یکی از پدیده های مهم اجتماعی - ایفا می کند. به عبارتی دین اسلام و تربیت شهروندی دو واقعیت اصیل، گسترده و بسیار تأثیر گذار در همه احوال زندگی انسان به شمار می آیند. با توجه به کارکرد عظیم دین اسلام در حوزه فردی و حوزه اجتماعی، نظریه «عرفی شدن» و بی نیازی جوامع از دین و یا راندن آن از زیست جهان جمعی به تاریخ خانه فردی به بهانه بی کارکرد شدن و یا کارکرد نداشتن آن به چالش کشیده می شود.

۶. منابع

۱. چناری، مهین و زهرا کاظمی زاده. اسلام و تربیت شهروندی. انتشارات دانشگاه قم. ۱۳۹۶.
۲. آختری اقدم، محمد، سید مهدی سجادی، عباس منوچهری و علیرضا صادق زاده. تبیین اصول تربیت شهروندی مبتنی بر فلسفه هانا آرنست. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۱۲۴. ۱۳۹۴.
۳. خرم ورز، علیرضا. (۱۳۹۱) رویکرد مینا شناسانه در مقوله آزادی از نگاه قرآن کریم. چهارمین نشست اندیشه های راهبردی آزادی. آبان ماه.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۵. سنچولی، زینب (۱۳۹۱). مفهوم آزادی از نگاه اسلام و قرآن. چهارمین نشست اندیشه های راهبردی آزادی.
۶. شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۹۱). مصادر دینی آزادی و عدالت. چهارمین نشست اندیشه های راهبردی آزادی.
۷. عباس زاده، محمد و مجتبی میرزایی. مطالعه نقش مداخله گرایانه سرمایه اجتماعی و سرمایه روان شناختی در تأثیرگذاری فرایند جامعه پذیری بر دین داری؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تبریز. دو فصلنامه علمی - پژوهشی دین و ارتباطات، سال بیست و دوم، شماره اول (پیاپی ۴۷). بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۸. فتحی واجارگاه، کوروش و سکینه واحد چوکده. شناسایی آسیب های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان. فصلنامه نوآوری آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، پاییز ۱۳۸۵.
۹. فر مهنی فراهانی. اخلاق شهروندی: مقوله ای بین رشته ای، فصلنامه اخلاق و فرهنگ در پرستاری و مامایی، دانشگاه شاهد، دوره اول، شماره ۱، پیاپی ۱. بهار ۱۳۹۳.
۱۰. قاسم پور خوشرودی، عرفانه و حجت صفار حیدری. مطالعه وضعیت و موانع توجه به مرفه های تربیت شهروندی در دانشگاه (مطالعه موردی دانشگاه مازندران). فرهنگ در دانشگاه اسلامی. ۱۵/ سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴.
۱۱. کریمی، جعفر و مهدی جمالی نژاد (۱۳۹۱). جایگاه اختیار و آزادی از دیدگاه اسلام، چهارمین نشست اندیشه های راهبردی
۱۲. کریمیان، حسین، فائزه ناطقی و محمد سیفی، تفکر انتقادی و تربیت اسلامی، وجوه افتراق و اشتراک، پژوهش های اخلاقی، سال ششم، شماره چهار، تابستان ۱۳۹۵.
۱۳. مروتی، سهراب. (۱۳۹۴). خاستگاه تربیتی مدارا در قرآن کریم و سیره معصومین (ع). دو فصلنامه آموزه های تربیتی در قرآن و حدیث؛ دوره ۱، شماره ۲.
۱۴. مفتخری، حسین، محمد رضا بارانی و ناصر انطیقه چی (۱۳۹۱). مدارای دینی و مذهبی در عصر آل بویه. سال سوم، شماره ۶.
۱۵. مقتدایی، لیلا، مجید امیری، حسین نظری و ستاره موسوی، جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی علیه السلام، دو فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، سال ۸، شماره ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۱۶. مرتضوی، سید محمد (۱۳۹۱) شاخصه های آزادی در اندیشه دینی. چهارمین نشست اندیشه های راهبردی آزادی.
۱۷. محمدی پویا، فرامرز و اکبر صالحی. تحلیل محتوی قرآن کریم بر اساس مفهوم تفکر انتقادی، دو فصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال دوم، شماره ۳. پاییز ۱۳۹۳.
18. Abbaszadeh, Mohammad and Mojtabi Mirzaei. Studying the interventionist role of social capital and psychological capital in influencing the process of socialization on religiosity; A case study of Tabriz University students. Two scientific quarterly journals - research on religion and communication, year 22, number 1 (consecutive 47). Spring and summer 2014.
19. Chenari, Mahin and Zahra Kazemizadeh Islam and citizenship education. Publications of Qom University. (2016).
20. Dehkhoda, Ali Akbar, Dehkhoda dictionary, vol. 12, Tehran University, Tehran, first edition, 1373.
21. Fathi Vajargah, Korosh and Sakineh, Choukdeh unit. Identifying the harms of citizenship education in the hidden curriculum: theoretical secondary education system from the perspective of female teachers in Tehran and providing solutions to improve its situation. Educational Innovation Quarterly, No. 17, Year 5, Fall 2015.
22. Far Mahini Farahani. Ethics of citizenship: an interdisciplinary category, Quarterly Journal of Ethics and Culture in Nursing and Midwifery, Shahid University, Volume 1, Number 1, Serial 1. Spring 2013.
23. Karimi, Jafar and Mehdi Jamali Neja (2011). The position of freedom and authority from the perspective of Islam, the fourth meeting of strategic thoughts.
24. Khorramvarz, Alireza. (2012) A foundational approach to the category of freedom from the perspective of the Holy Quran. The fourth meeting of strategic ideas
25. Khuzari Aghdam, Mohammad, Seyyed Mehdi Sajjadi, Abbas Manouchehri and Alireza adegzhadeh. Explaining the principles of citizenship education based on Hannah Arendt's philosophy. Education Quarterly. Number 124. (2014).
26. Karimian, Hossein, Faiza Natghi and Mohammad Seifi, Critical Thinking and Islamic Education, Aspects of Difference and Commonality, Ethical Research, Year Six, Number Four, Summer 2015

27. Mortazavi, Seyyed Mohammad (2012) The characteristics of freedom in religious thought. The fourth meeting of strategic ideas of freedom.
 28. Maruti, Sohrab The educational origin of tolerance in the Holy Qur'an and the life of the innocents (AS). Two quarterly educational teachings in Quran and Hadith; Volume 1, Number 2. . (2014).
 29. Muftakhari, Hossein, Mohammad Reza Barani and Nasser Antike Chi. Religious and religious tolerance in Al Boyeh era. Third year, number 6. (2011)
 30. Omid Zanjani, Abbas Ali, Imam Ali and Minority Rights, Book Review Quarterly, Year 5, Number 18. 1380
 31. Qasimpour Khoshroudi, Irfanah and Hojat Safar Heydari. Studying the status and obstacles of paying attention to the benefits of citizenship education in the university (Mazandaran University case study). Culture in Islamic University. 15/5th year, second issue, summer 2014
- Sancholi, Zainab (2013). The concept of freedom from the perspective of Islam and the Qur'an. The fourth meeting of strategic ideas of freedom. Aban month
- Shujaei Zand, Alireza. (2011). Religious sources of freedom and justice. The fourth meeting of strategic ideas of freedom.